

چکیده

قرائت عبارت است از تلفظ الفاظ قرآن کریم به همان صورت و کیفیتی که رسول خدا(ص) تلفظ می‌کرد. قرائت‌های هفت‌گانه کوچک‌ترین ارتباطی با «حدیث احرف سبعة» ندارد و این قرائت‌ها گرچه جزو اخبار آحادند، علمای شیعه و اهل سنت در مورد صحت آن‌ها اتفاق نظر و در مورد حجیت آن‌ها اختلاف نظر دارند. زیرا علمای اهل سنت این قرائت‌ها را حجت می‌دانند، در حالی که علمای شیعه حجیت قرائت‌های هفت‌گانه را رد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: قرائت، قرائت سبعة، قاری، شیعه، اهل سنت

مقدمه

علمای قرائت، اعم از شیعه و سنی، بر صحت و اعتبار قرائت‌های هفت‌گانه اتفاق نظر دارند اما باید گفت تأیید این قرائت‌ها با اعتقاد به تواتر آن‌ها گرچه دو مقوله شبیه به هم‌اند، اما جدا از هم هستند. این مطلب در مورد احادیثی هم که از ائمه(ع) به ما رسیده‌اند، صدق می‌کند. چه بسا حدیثی در یکی از موضوعات فردی یا اجتماعی از امامی نقل شده باشد و سند آن متواتر نباشد، اما محدثان حکم به صحت آن بدهند.

بسیاری از احادیث از همین قبیل‌اند و به ندرت تواتر در اخبار وجود دارد؛ زیرا ناقلین صدر اول، معدود بوده‌اند و تواتر در طبقات بعد حاصل شده است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

ولی فقها به صحت و موثق بودن آن حدیث، حکم داده و نظر فقهی صادر کرده‌اند. و اصولاً در صحت و توثیق یک حدیث یا راوی، تنها به تواتر تمسک جستن، راه‌گشای معضلات مسائل نیست.

در این مقاله برآنیم که حجیت و اعتبار قرائت‌های هفت‌گانه را از دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت، مورد بررسی قرار دهیم. گروه کثیری از علمای شیعه و سنی

قرائت‌های هفت‌گانه

بررسی حجیت قرائت‌های هفت‌گانه
از دیدگاه علمای شیعه و سنت

روح‌الله صمدی

دبیر آموزش و پرورش شهرستان گمیجان

نوع سوم، قرائتی است که سند آن صحیح است، ولی مخالف رسم الخط مصاحف عثمانی و یا ناهماهنگ با قواعد و دستور زبان عربی است و یا آنکه واجد شهرتی همانند شهرت قرائات مشهور نیست

قرائت از قاریان سبعة باشد یا از غیر آنها» (پیشین) باید گفت مقیاس ابن مجاهد، متوجه خود قاری است و او قاری را مستقیماً ارزش می‌نهد. در حالی که مقیاس‌های ابن الجزری مستقیماً خود قرائت را ارزش می‌نهد و با ارزیابی آن، قرائت معتبر را مطرح می‌سازد.

ضوابط مورد نظر ابن الجزری با وجود تمام امتیازاتش، دارای این اشکال است که ناخواسته، قرائات شاذ و ضعیف را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا با توجه به ویژگی‌های رسم الخط مصحف عثمانی و وجود آرا و اقوال مختلف در قواعد زبان عرب، بسیاری از قرائات ضعیف را می‌توان به نحوی مطابق با رسم الخط مصحف یا به نحوی موافق با قاعده‌ای از قواعد عربی دانست. در آن صورت ضوابط سه‌گانه ابن الجزری خاصیت خود را برای تشخیص قرائت صواب از ناصواب از دست می‌دهند، در عمل نمی‌توانند معیاری برای سنجش قرائات باشند (معرفت، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۱).

عبدالهادی فضلی

صاحب کتاب «مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم»، معیارهای زیر را برمی‌شمارد.

۱. صحت سند
۲. مطابقت با رسم الخط
۳. موافقت با قواعد عربی.

عبدالهادی فضلی پس از ارائه این معیارهای سه‌گانه می‌افزاید: «نیازی نداریم که ارکان قرائات معتبر را به آنچه ابن الجزری یاد کرده است، مقید سازیم؛ به‌ویژه پس از آنکه عرصه قواعد عربی تا آنجا توسعه یافته است که با تمام قرائات متواتر می‌تواند هماهنگ به‌نظر برسد» (فضلی، بی‌تا: ۱۴۶).

دیدگاه سیوطی

سیوطی انواع قرائات - از لحاظ سنت و قابلیت عمل - را به شش دسته تقسیم می‌کند (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۲۵۸):

۱. قرائت متواتر: این قرائت عبارت از قرائتی است که جمعی از جمعی دیگر آن را روایت کرده که اتفاق و توطی چنین جماعتی بر کذب و دروغ‌سازی، غیرقابل قبول بوده و امکان‌پذیر نباشد؛ مانند: قرائات سبع که دارای طرق مورد اتفاق است.

معتقدند که نماز خواندن با هر یک از قرائت‌های هفت‌گانه، جایز و صحیح است. گرچه بعضی از آنها بر این مطلب ادعای اجماع کرده‌اند و بعضی از علما، نماز خواندن با قرائت‌های ده‌گانه را نیز جایز می‌دانند. بعضی دیگر هم در این مورد به عدد معینی قائل نیستند بلکه می‌گویند با هر قرائتی که با یکی از قرآن‌های عثمان - ولو احتمالاً - مطابق و از نظر سند هم صحیح باشد، می‌توان نماز خواند. اینک مطلب فوق‌الذکر را به تفصیل شرح می‌دهیم.

الف) حجیت قرائت‌های هفت‌گانه از دیدگاه علمای اهل سنت

کهن‌ترین معیار قرائات معتبر، متعلق به ابن مجاهد است. پس از او - به ترتیب - مقیاس‌های دیگری توسط دانشمندان دیگری ارائه شد. این دانشمندان عبارت‌اند از: ابن خالویه، مکی‌بن ابی‌طالب، کواشی، و سرانجام ابن الجزری.

ابن مجاهد

ابن مجاهد، صحت قرائت را مشروط به دو شرط کرده است:

۱. باید قاری از شخصیت‌هایی باشد که قرائت‌های وی از سوی مردم سرزمین و منطقه‌ای که او در آن به‌سر می‌برد، بالاتفاق مورد تأیید قرار گیرد.

۲. باید اجماع، اتفاق و تأیید مردم منطقه قاری در رابطه با قرائت وی بر اساس کارایی علمی و ریشه‌دار و عمیق او در قرائت و لغت مبتنی باشد (فضلی، بی‌تا: ۱۴۳).

ابن الجزری

ابن الجزری صحت یک قرائت را مقید به شروط زیر کرده است.

۱. صحت سند؛
۲. مطابقت با قواعد زبان عربی مطلقاً (ولو آنکه با وجه ضعیفی در قواعد زبان عربی سازگار باشد)؛
۳. مطابقت با رسم الخط مصحف، ولو آنکه فرضی باشد (ابن الجزری، بی‌تا، ج ۱: ۹).

ابن الجزری پس از ذکر شروط مذکور چنین می‌گوید: «هر قرائتی که این سه شرط را داشته باشد، قرائتی صحیح است که رد و انکار آن جایز نیست، بلکه از حروف سبعه‌ای است که قرآن با آن نازل شده است و بر مردم، قبول آن واجب می‌باشد؛ خواه از قرائت قاریان هفت‌گانه باشد و خواه قاریان ده‌گانه و یا غیر آنان. و هرگاه قرائتی فاقد یکی از این ارکان سه‌گانه باشد، به آن قرائت شاذ، ضعیف و یا باطل اطلاق می‌گردد؛ خواه آن

حضرت امام خمینی (ره) فرموده است: «احتیاط آن است که از یکی از قرائت‌های سبعة تخلف ننمایند... بلکه بعید نیست که بر طبق یکی از قرائت‌های دیگر غیر از سبعة نیز جایز باشد» (خمینی، بی تا، ج ۱: ۱۳۱)

را برای حجیت یک قرائت شرط می‌داند:
 ۱. موافقت قرائت با آنچه که نزد عامه مسلمانان، مضبوط و محفوظ است، چه از نظر ماده کلمه و صورت آن و چه از نظر جا و موقعیت آن در نظم و ترتیب موجود، بر حسب آنچه که مسلمانان حفظ کرده‌اند.

۲. موافقت قرائت با آنچه در لغت فصیح‌تر شمرده می‌شود و توافق آن با معروف‌ترین قواعد زبان عرب. شناخت آن نیز از طریق مقایسه با قواعد ثابت و یقینی لغت فصیح عرب میسر است.
 ۳. معارض نبودن با هیچ دلیل قطعی، اعم از برهان عقلی یا سنت متواتر و یا روایت صحیح الاسناد و مورد قبول ائمه (ع). سپس می‌افزاید: «اگر قرائتی دارای تمام این شرایط بود، قرائتی صحیح به‌شمار می‌آید که خواندن آن در نماز و موارد دیگر جایز است. اما اگر قرائتی فاقد این شرایط و یا یکی از آن‌ها بود، قرائتی شاذ به‌حساب می‌آید، یا اینکه دست کم نسبت به قرآن بودن آن، شک و تردید وجود دارد و قرائت آن در نماز و یا موارد دیگر به‌عنوان قرآن جایز نیست» (معرفت، بی تا، ج ۲: ۱۷۰).

شیخ طوسی

شیخ طوسی با اینکه موافق متواتر بودن قرائت نیست، می‌گوید: «جمهور علمای شیعه، خواندن قرآن کریم مطابق قرائت‌های معروف بین مردم را جایز دانسته‌اند و گفته‌اند می‌توان قرآن را با هر یک از قرائت‌های هفت گانه تلاوت کرد و انتخاب قرائت خاصی که با اعتقاد بر عدم جواز دیگر قرائت‌ها هموار باشد را مکروه دانسته‌اند و تلاوت قرآن طبق قرائت مجاز بین قراء و قرائتی را که از سوی آنان تحریم نشده باشد، مجاز دانسته‌اند» (طوسی، بی تا، ج ۱: ۷).

آیت‌الله خویی

ایشان عقیده دارد خواندن نماز با هر یک از قرائت‌هایی که در زمان ائمه (ع) معروف بوده‌اند، در نماز کفایت می‌کند؛ زیرا آنان شیعیانشان را در خواندن نماز با هر یک از آن قرائت‌ها تأیید می‌کردند. و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: «منحصر نمودن جواز صحت نماز، تنها به قرائت‌های هفت گانه و ده گانه معنا و مفهومی ندارد بلکه با هر قرائتی می‌توان نماز را بجای آورد. البته با این شرط که آن قرائت شاذ و غیرمعروف و یا جعلی و ساختگی نباشد و به‌وسیله افرادی که وثاقت و اعتبار آنان نزد هیچ‌یک از علما ثابت نشده است، نقل نشود. از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که به‌نظر پیشوایان دینی ما با هر قرائتی که در زمان آنان، معمول و متداول بود، نماز خواندن صحیح است» (خویی، بی تا: ۲۲۳ - ۲۲۲).

۲. قرائت مشهور: عبارت از قرائتی است که سند آن صحیح است. به این معنی که شخص عادل و ضابطی از مانند خود و بدینسان تا پیامبر (ص) آن را نقل کرده باشند و با قواعد دستور زبان عربی و یکی از مصاحف عثمانی، هماهنگی داشته باشد؛ اعم از اینکه از قرائت سبع و یا جز آن‌ها باشد. منتها تنها نقصی که در این گونه قرائت وجود دارد، عدم تواتر آن است.

این دو نوع قرائت (یعنی متواتر و مشهور) از جمله قرائتی هستند که با وجوب اعتقاد به آن‌ها، می‌توان قرآن را تلاوت کرد و هرگز نمی‌توان آن‌ها را انکار نمود.

۳. قرائت آحاد: نوع سوم، قرائتی است که سند آن صحیح است، ولی مخالف رسم الخط مصاحف عثمانی و یا ناهماهنگ با قواعد و دستور زبان عربی است و یا آنکه واجد شهرتی همانند شهرت قرائت مشهور نیست، مانند قرائت سه‌گانه‌ای است که متمم قرائت سبعة‌اند و همچنین قرائت سبعة. این نوع از قرائت را نباید در تلاوت قرآن - چه در نماز و یا جز آن - مورد استفاده قرار داد.

۴. قرائت شاذ: قرائتی است که سند آن صحیح نیست؛ مانند قرائت تابعین و قرائت چهارگانه متمم قرائت عشره. «قرائت ابن سمیقع» از این قبیل است. وی «تَنْجِيك» را در آیه «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لَتُنَكُونُ لِمَنْ خَلَفَكَ آيَةً» به‌صورت نُنَجِّيكَ، یعنی با «حاء» بی نقطه و همچنین لام «خلفك» را به فتح خوانده است.

۵. قرائت موضوع یا مجعول: قرائتی است که صرفاً به قائل و گوینده آن منسوب است هیچ‌گونه اساس روایی ندارد؛ از قبیل قرائتی که خزایی به ابوحنیفه نسبت داده است که وی آیه «إنما يخشى الله من عباده العلماء»^۲ را به رفع «الله» و نصب «العلماء» قرائت می‌کرد.

۶. قرائت شبیه به حدیث مدرج^۳: و آن قرائتی است که برای تفسیر کلمه یا عبارتی بر قرائت معمول و متداول اضافه شود. مانند قرائت سعدبن ابی وقاص که بر پایان آیه «وله أخ أو أخت»^۴ کلمه «من أم» را اضافه کرده است.

ب) حجیت قرائت‌های هفت گانه از دیدگاه علمای شیعه

آیت‌الله معرفت صاحب «التمهید» شرایط زیر

امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) فرموده است: «احتیاط آن است که از یکی از قرائت‌های سبعة تخلف ننمایند... بلکه بعید نیست که بر طبق یکی از قرائت‌های دیگر غیر از سبعة نیز جایز باشد» (خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۱).

و نیز آن حضرت در حاشیه «عروة» مرقوم فرموده است: «ترک نشود قرائت به یکی از قرائت‌های سبعة» (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۵۰۲).

حسن‌زاده آملی

«ائمہ اطہار(ع) با قرائت‌های هفت‌گانه موافقت نموده‌اند چون در عصر ایشان رایج بوده است و ایشان، مردم را از عمل به آن قرائت منع نمی‌نمودند و همه‌جا قرائت امامان، موافق یکی از هفت قرائت است و اینکه قرائتی از ایشان روایت شود که غیر از قرائت‌های متواتر باشد، بسیار کم است و این مسائل با دقت، برای متبحر قرآنی واضح می‌گردد» (حسن‌زاده آملی، بی‌تا، ۱۲۲).

شیخ طبرسی

عقیده شیخ طبرسی را می‌توان چنین بیان کرد که این قرائت‌ها گرچه متواتر نیستند، به هر صورت از پیغمبر (ص) نقل شده‌اند. حداقل از اقسام خبر واحد هستند و دلایلی که حجیت خبر واحد را ثابت می‌کنند، حجیت این قرائت‌ها را نیز ثابت می‌کنند. بنابراین، عمل کردن طبق این قرائت‌ها، پیروی از دلیل شرعی است.

آیت‌الله خویی چنین پاسخ می‌دهد:

۱. روایت بودن قرائت‌ها ثابت نیست تا دلایل اثبات حجیت خبر واحد، حجیت آن‌ها را نیز ثابت کند؛ زیرا احتمال دارد که این قرائت‌ها یک نوع اجتهاد باشد.

۲. دلایل حجیت خبر واحدی که راوی آن مورد اعتماد است، نمی‌تواند شامل روایت قاریان و راویان قرائت‌ها شود. زیرا همان‌طور که قبلاً توضیح دادیم، از شرح حال آنان، روشن می‌شود که وثاقت آنان ثابت نیست.

۳. اگر فرض کنیم که تمام قرائت‌ها بر پایه روایت استوار است و همچنین قبول کنیم که همه روایان این قرائت‌ها «تقه» می‌باشند، باز حجیت آن‌ها ثابت نمی‌شود. زیرا علم اجمالی داریم که پاره‌ای از این قرائت‌ها قطعاً از پیغمبر (ص) صادر نشده است و یک چنین علم اجمالی سبب تعارض میان تمام این روایات گردیده و هر یک از آن‌ها دیگری را تکذیب خواهند نمود. در نتیجه، همه آن‌ها از حجیت خواهند افتاد (خویی، بی‌تا، ۲۲۰، ۲۲۱).

نتیجه‌گیری

بررسی قرائت قرآن کریم، سبب اطلاع از دیدگاه‌های علمای مذاهب شیعه و سنی می‌شود. این دو مذهب در مواردی با هم اشتراک، و در مواردی از جمله حجیت قرائت با هم تفاوت دارند.

در مجموع باید گفت محور اصلی این بخش بررسی حجیت قرائت هفت‌گانه در زمینه استنباط احکام شرعی و جواز نماز خواندن با قرائت‌های هفت‌گانه است و به این نتیجه رسیدیم که عده‌ای از اهل تسنن قرائت‌ها را حجت می‌دانند، در حالی که دانشمندان شیعی، به‌خصوص مؤلف کتاب «البیان»، حجت قرائت را رد می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. یونس / ۹۲: «امروز بدنت را به ساحل نجات می‌رسانیم تا برای کسانی که از پی تو می‌آیند، عبرتی باشد.»
۲. فاطر / ۲۸: «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان، از او می‌ترسند.»
۳. حدیث مدرج حدیثی است که راوی، کلام خود یا کلام بعضی راویان را در متن داخل کند که موجب اشتباه کلام وی با سخن معصوم شود؛ چه این عمل به‌عنوان شرح و توضیح حدیث باشد و چه به‌عنوان استشهاد به آن. ر. ک: مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۲: ۹۲.
۴. نساء / ۱۲: «(وارثش) یک برادر یا خواهر باشد.»

منابع

۱. مدیرشانه‌چی، کاظم: علم‌الحدیث، انتشارات اسلامی، چاپ هیجدهم، قم، ۱۳۸۲.
۲. فضلی، عبدالهادی. تاریخ قرائت قرآن کریم.
۳. ابن‌الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد دمشقی. «النشر فی قرائت‌العشر»، ج ۱، ص ۹.
۴. معرفت، محمدهادی. «التمهید فی علوم القرآن»، ج ۲، ص ۱۳۱.
۵. فضلی، عبدالهادی. «مقدمه بر قرائت قرآن کریم»، ص ۱۴۶.
۶. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. «الاتقان فی علوم القرآن»، ج ۱، ص ۲۵۸.
۷. طوسی، محمد بن حسن. «التبیین فی تفسیر القرآن»، ج ۱، ص ۷.
۸. خویی، سیدابوالقاسم. «بیان در علوم و مسائل کلی قرآن»، صص ۲۲۲-۲۲۳.
۹. خمینی، روح‌الله. «تحریر الوسیله»، ج ۱، باب قرائت، ص ۱۷۱.
۱۰. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم. «العروء الوثقی»، ج ۱، نشر ساقیان نور، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۱. حسن‌زاده آملی، حسن. فصل الخطاب، باب قرائت‌ها.

